

کیمیایِ باطنی

مسعود ریاضی

انتشارات عصر کنکاش

۱۳۹۵

سرشناسه : رباعی، مسعود
 عنوان و نام پدید آور : کیمیای رباعی / مسعود رباعی.
 مشخصات نشر : تهران: عصر کنکاش؛ ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری : ۱۶۲ ص...
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۹-۹۰-۱
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : آداب طریقت
 موضوع : عرفان
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ۵۹ ر / ۲۸۹ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۸۴
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۱۷۷۱۱



اشارات علمی، فرهنگی و آموزشی

عصر کنکاش

عنوان کتاب:	کیمیای رباعی
مؤلف:	مسعود رباعی
صفحه آرا:	ساغر ابوالقاسمی
طرح جلد:	عصر کنکاش
چاپخانه و صحافی:	چاپ گلها
نوبت چاپ:	اول
سال چاپ:	۱۳۹۵
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۱۱۰۰۰ تومان
نشانی:	تهران - میدان انقلاب - ابتدای کارگر شمالی - بعد از فرصت - کوچه مستعلی - پلاک ۲۶ طبقه ۳ - واحد ۳
آدرس الکترونیکی:	www.asrekankash.ir
پست الکترونیکی:	asrekankash@gmail.com
تلفن:	۲۲۹۰۱۰۱۵ - ۶۶۹۰۷۳۹۴

کلیه حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه	۵
کیمیاگری باطنی	۹
مقاله	۵۵
رسول خدا	۵۶
چند نکته تفسیری	۶۱
رویت صورت	۶۵
حق و مظهر حق	۷۲
وجه الله	۷۵
مأموریت ارواح	۷۹
فهم درست یک حدیث نبوی	۸۳
مکتب عشق	۸۷
عشق	۹۱
قدرت یأس	۹۶
بی نیاز از تأیید دیگران باش	۹۷
بی اعتباری	۹۹
پشیمانی	۱۰۲

۱۰۶	تماشاگه راز
۱۰۹	دلسوزی
۱۱۲	دو مرگ و دو زندگی
۱۱۴	ذکر زنده
۱۲۰	راهی بر فراز دو راهی ها
۱۲۲	نفس زنده
۱۲۷	تشمیل
۱۲۸	تمثیل دانه
۱۳۲	ملیک رافع و مرد
۱۳۴	پنج پیر فرزانه
۱۳۷	خرقه من
۱۴۱	پیر من
۱۴۳	روش های کاربردی (۵ روش)

اگر در رنج به رنج احترام بگذار. احترام به رنج، مشاهده فهمانه آن است. چه این رنج است که مرا به گاهی می رساند. باعث جهش به دگر سوی می شود. باعث می شود تا به جستجو رهایی بر آیی. اگر رنج نباشد نه آگاهی شکوفا می شود و نه رهایی گل می دهد. این معنا و مفهوم باطنی "إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ" است. آیه می گوید "ما انسان را در رنج آفریدیم". و چه خوب! درست است! زیرا رنج، محرک رهایی است. هدایتگری است که سیر خلاصی را نشان می دهد. اگر بدن تو درد نکند، اگر با درد بیگانه ای، هر چگاه به طبیب مراجعه نخواهی کرد. و هر بیماری تو را در خفا از پای در می آید. آورد. رنج، یک هشدار فهمانه است. ساکنان همواره به آن "سلام" می کنند. تمام انسانهایی که آنها را بزرگ می شماری و می ستایی شان، در رنج بوده اند.

مزه اش را نوش کرده اند. کسی بدون رنج، به رهایی دست نیافته است. هر
 رنجی مسیر درست را به تو نشان می دهد. به موقع می آید. این نکته را عمیقاً
 بفهم. و چون جاهلان نگو که چرا رنج است. دانه تا زیر خاک نرود شکوفا
 نمی شود. رنج که نباشد تو هیچگاه هشیار نمی شوی. بیدار نمی گردی. به
 آاهی و رادی نائل نمی شوی. چون تکه سنگی در بیابان، می خوابی. خوابی
 سنگین وادی. می دوی. تا توبایی حرمتی به رنج از دستش خلاص نمی شوی.
 با نگاه آگاهانه به رنج است که از آن رها می گردی. هر رنجی درس خود را
 دارد. درش را بگیر، خدایت را می شود. کاش این نکته را می گرفتی.
 سالکان فهمی که به اساتید بزرگ رجوع می کنند این نکته را می دانند. می
 دانند که آن اساتید، به انواع ترفندها و جادو رنج شان می دهد تا از درون
 تهییج شوند و قوای خود را در راه رهایی و آگاهی بکار بندند. اساتید راستین،
 مفت خور بار نمی آورند. آنها سالکانی سختی کشیده و رها شده از رنج تربیت
 می کنند. چه نیک می دانند که این شمر در زمین رنج به بار می نشیند، نخود در
 دیگ باید بجوشد تا خوردنی شود. و نان باید به تنور رود تا دپذیر گردد. به

ثمر نشستن، بی رنج امکانپذیر نیست. تا کوره سوزان نباشد از هیچ کیمیاگری
 کاری بر نمی آید. من رنج کشیده ام. هنوز هم می کشم. آن به آن. لحظه به
 لحظه. اما رنج آگاهانه، نه رنج در غفلت، رنج در غفلت، حماقت است. ارزش
 نیست. من رنج خود را می پذیرم. نوش می کنم. آن را با کسی تقسیم نمی کنم.
 به جان رگرم می اندازم. گاه رنج را خود انتخاب می کنم. نه اینکه او مرا
 انتخاب کند. زیرا می دانم "نیل به" مطلق از مسیر کنده شدن ها و بی
 آرزویی ها و بی خواهشی ها می گذرد. تا به کوره نیروی از ناخالصی ها رها
 نخواهی شد. کوره تو همان مسیر است که دوست. مجموعه تقدیرات دوست.
 هر کس رنجی دارد متناسب با حال و روزش. متناسب با اراد رشدش. این هستی
 هوشمندانه عمل می کند. تک تک موجودات را می شناسد و بر اساس قابلیت
 شان، هدایت شان می کند. کار "رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا" همین
 است. هر موجودی مسیر رشد خود را دارد. برای همین است که صدرا، شان
 متفاوت می نماید. "لِكُلِّ وَجْهٍ هُوَ مُوَلِّئُهَا". ای دوست، رنج را محترمانه بنگر.
 ببین برای تو حاوی کدام تعلیم است. چه می گوید. به کدام سوی می کشاندت.

تو با بد و بیراه گفتن به رنج، از دستش خلاص نمی شوی. تا پیامش را نگیری،
تو را رها نمی کند. رنج، بیدارکننده است. چون "قارعه" است. پیامش را
بگیری. بین کدام سو را نشانه رفته است. و آنگاه است که از دستش خلاص
شده ای.

مسعود ریاچی